

معلم تمام عیار

محمد حسین دیزجی

اشاره
کار خود را در یکی
از نقاط محروم،
دور افتاده و
صعب‌العبور
شروع کرد. این
مسیر را باید با
موتورسیکلت،
تراکتور و گاه
نیسان وانت طی
می‌کرد تا خود را به
مدرسه برساند. در

فصل‌های پاییز و زمستان مسیر آن‌قدر
سخت و دشوار بود که گاه ناچار بود تا

سی‌چهل روز در یک جا بماند. همین انس با سختی‌ها سبب

شد محرومیت و محرومان
را خوب درک کند و
گرایش به آموزش دادن
به بچه‌های دارای نیازهای
ویژه را مدنظر قرار دهد.
آموزش دانش‌آموزی با
نیازهای ویژه و سپس
باسوادکردن پدر و مادر
این دانش‌آموز، بهانه‌ای
شد تا با سامان رضائی
به گفت‌وگو بنشینیم.
او در دبیرستان ریاضی
- فیزیک خواند. سپس
رشته آموزش ابتدایی
را دنبال کرد و بعد در
رشته هنرهای تجسمی
فارغ‌التحصیل شد.
رضائی اینک در مجتمع
آموزشی استثنایی

«بشارت» شهر قلعه تل از توابع شهرستان باغ ملک استان
خوزستان به خدمت مشغول است.



عشایری و محروم. ثانیاً، خواهری که سه سال از خودم کوچک‌تر
است، ولی متأسفانه امکان تحصیل رسمی برایش فراهم نشد!

**مشکل دانش‌آموز استثناییتان دقیقاً چه بود و شما
در شرایط فعلی چطور آن را برطرف کردید؟**

برای دانش‌آموز پایه اول، «حنانه» خانم، در دوران «کرونا»
و تدریس در فضای «شاد»، به دلایل نداشتن گوشی هوشمند،
بی‌سوادی والدین، تک‌فرزندبودن و از همه مهم‌تر پایه اول بودن
و نیازهای ویژه داشتنش، ناچار شدیم هفته‌ای دو تا سه روز
در فضای باز جلوی منزل مسکونی تدریس حضوری انجام
دهیم. حنانه کم‌توان ذهنی است، معلولیت جسمی- حرکتی،

**دلیل علاقه شما به تدریس و آموزش بچه‌های
استثنایی چیست، در حالی که شما پیش از این تدریس
می‌کردید و نیازی نبود وارد این کار بشوید.**

دلایل علاقه‌مندی اینجانب به تدریس دانش‌آموزان «با نیازهای
ویژه» عبارت است از: اولاً، تحصیل در مناطق صعب‌العبور



عملیات ساده جمع و تفریق را انجام می‌دهند. اکثر همکاران شهرستان از این روش استقبال کرده‌اند و این اقدام را یک روش همیاری، به‌روز (جدید) و کاربردی می‌دانند.

الان خودتان نسبت به این کار چه احساسی دارید؟

از اینکه شرایطی فراهم شد و توانستم تجربه‌ای جدید کسب کنم و به سه نفر با مشکلات یادگیری سواد یاد بدهم، بسیار خوشحال و خرسندم.

آموزش بچه‌های با نیازهای ویژه یا همان استثنایی چه سختی‌ها و دشواری‌هایی دارد؟

همان‌طور که شما هم اشاره کردید، آموزش به این بچه‌ها تا حدی متفاوت است و معلم و مربی باید چند ویژگی داشته باشد تا بتواند در این حوزه به موفقیت برسد. علاقه، صبر و حوصله، مهربانی مضاعف، ایثار و از خودگذشتگی و تخصص در آموزش به این بچه‌ها لازمه این کار است. دانش‌آموزان با نیازهای ویژه انسان‌هایی با کوله‌باری از مشکلات رنگارنگ هستند که در بسیاری مواقع متأسفانه نه تنها جامعه، بلکه خانواده‌ها هم حاضر به پذیرش و درک این انسان‌های پاک و شریف نیستند، در حالی که اکثر این دانش‌آموزان هوش و استعداد دارند و آموزش و تعلیم‌پذیرند. اگر شما پای صحبت‌ها و درد دل‌های این دانش‌آموزان بنشینید، متوجه خواهید شد آن‌ها توان تکلم ندارند، ولی انتظار شنیده شدن دارند. چشم بینا ندارند، ولی انتظار دیده شدن دارند. دست سالم ندارند، اما انتظار دستگیری دارند. پس آنان را به‌درستی درک کنیم.

و اختلالات رفتاری و آسیب بینایی دارد. با وارد عمل کردن و همکاری والدین توانستیم با موفقیت از سد مشکلات او بگذریم.

چطور شد که در راه آموزش به دانش‌آموزتان، مسیر را برای باسواد شدن پدر و مادرش هم باز کردید؟
والدین قبلاً در زندگی روزمره و اجتماعی، به‌علت بی‌سوادی، خیلی اذیت می‌شدند و ناراحت بودند. حتی توانایی نوشتن نام خود را هم نداشتند. بزرگ‌ترین آرزوی این خانواده، اول سواددار شدن «تک دخترشان» و بعد باسوادی خودشان بود. من هم وقتی این شوق را دیدم، تلاش کردم آنان را هم باسواد کنم.

این دانش‌آموز و پدر و مادرش چطور ابهام و سوالاتشان را با شما در میان می‌گذاشتند و شما چگونه آن‌ها را برطرف می‌کردید؟

ابهام آن‌ها بیشتر در زمینه مشکلات قانونی برای آموزش آن‌ها بوده است. موضوع را با «نهضت سوادآموزی» در میان گذاشتم، اما به‌دلیل اتمام مهلت ثبت‌نام، حاضر به ثبت‌نام نشدند. اداره این اختیار را به من داد که در صورت امکان و غیررسمی آموزش را ادامه دهم.

در حال حاضر شرایط این دانش‌آموز و پدر و مادرش چگونه است و این کار شما بین دیگر افراد آن منطقه و حتی همکارانتان چه بازتابی داشته است؟

در حال حاضر والدین همانند حنازه از روی درس‌ها می‌خوانند، شعر می‌خوانند، می‌نویسند، حساب می‌کنند و